

ضرورت راهنمایی و مشاوره در کلاس های چندپایه

سید رامین حسینی

کارشناسی علوم تربیتی ، معلم کلاس های چند پایه منطقه شاهین دژ استان آذربایجان غربی
raminhosini3805@gmail.com

مرضیه رستمی

کارشناسی تربیت بدنی ، مربی پیش دبستانی مدراس منطقه دیواندره استان سنج
Mrdyhrstmy463@gmail.com

چکیده

اهمیت امر راهنمایی و مشاوره در جریان تعلیم و تربیت به خصوص در دوره ی ابتدایی که شخصیت کودکان در حال شکل گیری و رفتارهای اجتماعی در حال نهادینه شدن هستند، روشن است و این موضوع در کلاس های درس چندپایه با دانش آموزان با جنسیت و سن متفاوت که دارای شرایط، مسائل و محیط های اجتماعی و فرهنگی پیرامونی خاصی هستند از اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ لذا در این مقاله، به بررسی ضرورت، اهمیت و راهبردهای راهنمایی و مشاوره در این گونه کلاس ها پرداخته شد. این مقاله از طریق بررسی متون نظری مربوط به موضوع و نظرخواهی از صاحب نظران امر تعلیم و تربیت و مشاوران، تدوین گردیده است. نتیجه این که: در این گونه کلاس ها که معلم عهده دار همه ی فعالیت های آموزشی و پرورشی است؛ در راستای راهنمایی و مشاوره ی دانش آموزان در شرایط خاص، می تواند با رفتار و منش خود به عنوان یک الگوی مطلوب برای دانش آموزان و نقش تسهیل کننده را در نهادینه سازی مهارت های صحیح زندگی به عهده بگیرد. معلم میتواند بطور موثر در تغییر یا شکل دهی رفتار مطلوب، پیشگیری از رفتارهای نامطلوب، حفظ بهداشت روانی، افزایش انگیزه و تقویت خودباوری دانش آموزان ایفای نقش کند؛ همچنین می تواند از طریق راهبردها و روش های تدریس، ارزشیابی، برگزاری دوره های آموزش خانواده و ارتباط مستمر با والدین، ایجاد فضای فیزیکی و اجتماعی مطلوب در کلاس، کمک افراد متخصص، فعالیت های مکمل و فوق برنامه، ارائه ی بسته های آموزشی، مشارکت دانش آموزان در فعالیت های کلاس، مواد و رسانه های آموزشی و ... به امر راهنمایی دانش آموزان به طور مستقیم یا غیرمستقیم، مبادرت ورزد.

واژگان کلیدی: راهنمایی، مشاوره، کلاس چندپایه

سومین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

مقدمه

پیشرفت هر مملکت به کار آمد بودن نظام آموزش و پرورش آن کشور وابسته است. سرمایه گذاری در آموزش و پرورش ابتدایی، نوعی سرمایه گذاری دراز مدت ولی پرسود است و هر گونه بی توجهی به آن، جامعه و کشور را با خسارات و ضایعات جبران ناپذیری مواجه خواهد ساخت. اهداف اصلی آموزش و پرورش ابتدایی عبارتند از: آشنا ساختن کودکان با زندگی اجتماعی، ایجاد و تقویت توانایی گوش دادن، درست سخن گفتن، پرورش تفکر و استدلال، درک ارزش ها و تربیت دینی و اخلاقی. در تمام موارد فوق، از طریق مشاوره با کودک می توان راه حل های درست را به کودک آموخت و او را در رسیدن به این اهداف کمک کرد. کودکان در روند رشد و زندگی با مشکلاتی مواجه می شوند که اگر به موقع بر طرف نگردند، در دوره های بعد حاد و شدیدتر خواهند شد. عواطف و احساسات کودکان در دوره ی ابتدایی انعطاف پذیرتر است و هر گونه اقدام پیشگیرانه، باعث رشد یک شخصیت سالم و متعادل در سال های آتی می شود که مشاور با کمک اولیا و مربیان می تواند کودک را در رفع مشکلات و ایجاد رفتارهای مناسب یاری دهد. یکی از روش های مناسب مبارزه با مشکلات اجتماعی، اخلاقی، عاطفی و ... در قرن حاضر آن است که اصلاح مشکلات و تغییر رفتارهای نامطلوب از مدارس ابتدایی کشور آغاز شود و برای این کار نظام آموزش موجود نیاز به تغییری گسترده و همه جانبه دارد. امروزه گروهی از معلمان همانند یک ماشین عمل میکنند و دانش آموزان را با مثنی اصول و حقایق آشنا می سازند که هماهنگی چندانی بین آن اصول و واقعیات زندگی وجود ندارد. با توجه به اینکه آموزش و پرورش باید دانش آموزان را برای زندگی واقعی آماده سازد، مشاوره با همکاری سایر کارکنان مدرسه می تواند دانش آموزان را در درک و کاربرد آموخته هایشان یاری دهد و در برنامه های آموزشی و پرورشی تغییرات مطلوبی را پیشنهاد کنند و به اجرا درآورد. تحقق اهداف آموزش و پرورش و ارضای نیازهای کودکان به طور مناسب، مشاوره ی کودکان در دوره ی ابتدایی را ضرورت می بخشد. نیازهای کودکان از جمله نیازهای جسمانی، نیاز به ایمنی، نیاز به محبت و احساس تعلق، نیاز به ارزشمندی و اعتماد به نفس و نیاز به خودشکوفایی، از طریق اجرای برنامه ی مشاوره به طور مناسب تر تامین می شود.

2

کلاس درس دوره ی ابتدایی اولین مکان رسمی است که معلم با کودکان رو در رو می شود تا آن ها را بر اساس اهداف برگرفته از فلسفه حاکم بر جامعه و نیازهای خود فراگیران و نظریات اندیشمندان تعلیم و تربیت، برای زندگی آینده آماده نماید.

برخی از کلاس های دوره ی ابتدایی به ویژه در مناطق کم جمعیت و روستایی به صورت چندپایه اداره می شوند که در آن ها دانش آموزان با سن، جنس و پایه ی تحصیلی متفاوت در کنار هم تحصیل می کنند؛ مشکلات و محدودیت های این گونه کلاس ها نظیر: کمبود وقت، کمبود امکانات و تجهیزات، مشکلات آموزشی، چندمسئولیتی و سنگینی حجم کار معلم و فقر اطلاعاتی، بیسوادی یا کم سوادی اولیاء و مسائل دیگر که معلمان این گونه کلاس ها با آن ها مواجه اند. با وجود این محدودیت ها و شرایط خاص کلاس های چندپایه و محیط پیرامونی آن ها و ویژگی های دانش آموزانی که در این کلاس ها مشغول به تحصیل هستند و اولیای آن ها، اهمیت و ضرورت بحث راهنمایی و مشاوره در این گونه کلاس ها نه تنها کم نمی شود بلکه اهمیت آن پررنگ تر می گردد. لذا در این مقاله ضمن بررسی اهمیت و ضرورت مشاوره به صورت کلی در دوره ی ابتدایی به ضرورت آن در کلاس های چندپایه و شیوه های انجام آن پرداخته می شود.

سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

مبانی نظری

راهنمایی: راهنمایی عبارت است از حل مشکل از طریق نصیحت، موعظه، مطالعه کتاب و یا حتی حل یک جدول. در روان شناسی و تعلیم و تربیت، راهنمایی به معنای مطالعه همه جانبه فرد می باشد. راهنمایی از هر دیدگاه و به هر معنایی که باشد یک هدف کلی دارد و آن کمک به فرد برای یافتن راه خود و رسیدن به درجات بالاتری از کمال و معرفت و آگاهی می باشد. راهنمایی به این معنا مفهوم گسترده ای است که شامل مشاوره نیز می شود.

مشاوره: مشاوره به یک معنا همان راهنمایی است. در تعریف فنی تر و تخصصی تر آن گفته اند: مشاوره عبارت است از: ((فرایند و یا رابطه ای دو جانبه بین مشاور و مراجع که فهم و شناخت با معنای مراجع از خود و محیط را ساده می کند و منجر به کشف و ایجاد اهداف با معنایی برای آینده او می گردد)).

3

کلاس چند پایه

کلاس چند پایه: یک موقعیت خاص آموزشی است که در آن حداقل دو پایه تحصیلی تا حداکثر پنج پایه دانش آموزان حضور دارند که توسط یک معلم اداره می شود. دلیل تشکیل چنین کلاس‌هایی تعداد دانش آموزان در یک مدرسه است که نسبت به کلاس‌های تک پایه از تراکم کمتری برخوردار است.

قابل ذکر است با توجه به شش پایه شدن دوره ی ابتدایی براساس طرح تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، این کلاس ها گاه با حضور شش پایه ی تحصیلی تشکیل می گردند.

نقش و جایگاه مشاوره در مقطع ابتدایی

برای پرداختن به موضوع راهنمایی و مشاوره در کلاس های چندپایه می بایست نگاهی اجمالی به نقش و جایگاه این موضوع در دوره ی ابتدایی داشت. تحقق اهداف آموزش و پرورش و ارضای نیازهای کودکان به طور مناسب، راهنمایی و مشاوره ی کودکان در دوره ی ابتدایی را ضرورت می بخشد. نیازهای کودکان از جمله نیازهای جسمانی، نیاز به ایمنی، نیاز به محبت و احساس تعلق، نیاز به ارزشمندی و اعتماد به نفس و نیاز به خودشکوفایی، از طریق اجرای برنامه ی راهنمایی و مشاوره به طور مناسب تر تامین می شود.

کودکان در روند رشد و زندگی با مشکلاتی مواجه می شوند که اگر به موقع بر طرف نگردند، در دوره های بعد حاد و شدیدتر خواهند شد. عواطف و احساسات کودکان در دوره ی ابتدایی انعطاف پذیرتر است و هر گونه اقدام پیشگیرانه، باعث رشد یک

سومین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

شخصیت سالم و متعادل در سال های آتی می شود که مشاور با کمک اولیا و مربیان می تواند کودک را در رفع مشکلات و ایجاد رفتارهای مناسب یاری دهد.

گستره ی سنی دانش آموزان دوره ی ابتدایی بین 7 تا 11 سال می باشد و این دوره بر طبق تعاریف مراحل رشدپیاژه مرحله ی عملیات عینی و آغاز مرحله ی عملیات صوری است. لذا توجه به نیازهای روانی او در این دوره اهمیت خاصی دارد. دانش آموزان قبل از ورود به مدرسه فقط می باید با خانواده ی خود سازگاری پیدا کند ولی در دبستان نیاز به سازگاریهای جدید اجتماعی دارد و باید خود را با معلم، مسئولین مدرسه، هم کلاسی ها و برنامه های درسی تطبیق دهد و معاشرتهای بیشتر و طولانی تری با همسالان داشته باشد او که قبلا توسط والدین از نزدیک نظارت و حمایت می شد در این سن که وارد محیط اجتماعی بزرگتری می شود، دور از نظارت و حمایت مستقیم والدین در انتخاب رفتار و حل مسایل آزادتر است. سالهای دوره ی ابتدایی از این جهت که نگرش کودک را نسبت به مدرسه و ادامه ی یادگیری تحت تاثیر قرار می دهد و الگوهای اجتماعی شدن را به سرعت منتقل می کند، دارای اهمیت خاص می باشد. میزان موفقیت در سازگار شدن با مدرسه و با همسالان جدید اثری عمیق بر روی خودپنداری دانش آموزان در سال های بعد دارد بنابراین می توان گفت کودک دبستانی برای گذر از مرحله ی رشد ذهنی روانی خود نیازمند اقدامات حمایتی توسط اولیا و مربیان می باشد.

4

به هر حال راهنمایی و مشاوره، صرف نظر از زمان ارائه ی آن به عنوان یک ضرورت همواره مورد تأکید و تأیید صاحب نظران تعلیم و تربیت قرار گرفته است. اما در دوره ی آموزش ابتدایی کشور ما، با وجود ضرورت های فراوان، جایگاهی برای مشاور و مشاوره در نظر گرفته نشده است و معلم به اجبار در چاره جویی برای مشکلات دانش آموزان تنها می ماند.

گستره ی راهنمایی و مشاوره در مدارس ابتدایی

وجود اینکه در کشور ما بحث راهنمایی و مشاوره بیش تر منحصر به دوره ی متوسطه دوره ی اول و دوم است و در دوره ی ابتدایی بیش تر جنبه ی پیشگیری دارد اما با توجه به تحولات فرهنگی، گسترش و تنوع رسانه ها و بازی های رایانه ای و تأثیر آن ها بر کودکان، مباحث مربوط به ارتباطات و وسیع شدن دایره ی الگوپذیری، بالارفتن سطح توقعات والدین و مباحث خاصی مانند مهاجرت و تنوع فرهنگی، بلوغ زودرس و ... همه از مواردی است که لزوم بازنگری در اهداف راهنمایی و مشاوره در دوره ی ابتدایی را روشن می سازد.

اگر راهنمایی را جریان پیوسته ای از کمک به دانش آموز بدانیم، باید این کمک از مقطع ابتدایی آغاز شود و مسائل و مشکلات دانش آموزان در این دوره تحصیلی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. در مدارس ابتدایی مسائل و مشکلات دانش آموزان متنوع تر از سطوح دیگر آموزشی است. در این دوره مسئله ی امنیت روانی و ثبات عاطفی کودکان و دانش آموزان از اهمیت فوق العادهای برخوردار است. در یک کلاس ابتدایی هیچ یک از این دانش آموزان چه از لحاظ خصوصیات بدنی، روانی و اجتماعی با هم برابر نیستند. بنابر این، هر دانش آموز شخصیت ویژه ای دارد که دیگران ندارند. رشد شخصیت صرف نظر از عوامل ارثی به محیط خانواده و به دنبال آن به محیط اجتماعی وسیع تر، یعنی مدرسه ارتباط دارد و از این محیط ها تاثیر میپذیرد. محیط های یاد

سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

شده میتواند در سازگاری و یا ناسازگاری فردی و اجتماعی کودکان مؤثر باشد. رشد شخصیت سالم و متعادل و شکوفایی استعدادهای کودکان در سایه راحتی جسم و امنیت روان و ثبات عاطفی آنان امکانپذیر است. بیثباتی عاطفی، دوگانگی احساس و تعارضات روانی، از موانع مهم در فرایند رشد شخصیت و سازگاری فردی و اجتماعی است. کودکانی که دچار تعارض و نبود امنیت روانی هستند، به ناچار بخش قابل توجهی از نیروی فکری خود را صرف حل مسائل خواهند کرد که آنان را اشغال کرده است. بالطبع در این شرایط دقت و توجه مطلوب و مشارکت در فعالیتهای آموزشی کلاس بسیار اندک خواهد بود. نبود امنیت روانی در کودکان و دانش‌آموزان نه تنها بر چگونگی رشد شخصیت اثر میگذارد و عمدتاً موجب بروز و ظهور بسیاری از رفتارهای نامطلوب نظیر گوشه‌گیری و خیال‌پردازی، افسردگی، بیقراری، عصبانیت و پرخاشگری و غیره میشود، بلکه بیشترین تاثیر را بر شکوفایی هوش و تفکر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان خواهد داشت.

شیوه‌های رفتار کارکنان مدرسه با دانش‌آموزان نقش بسزایی در سلامت روانی آنان دارد و هرگونه اختلال در روابط، کودکان و نوجوانان را با مشکلات فراوان مواجه میسازد. در این میان نقش معلم، بویژه در مدارس ابتدایی اهمیت بیشتری دارد. معلمان و مدیران علاقه مند و آگاه، با دانش‌آموزان ارتباط حسنه برقرار میکنند، ترس و وحشت آنان را کاهش میدهند، ابتدا به موارد مثبت توجه میکنند و در جهت رفع نقص‌ها میکوشند و برای کمک به دانش‌آموزان با سایر همکاران مشارکت جدی به عمل می‌آورند. ارائه و بهره‌گیری از خدمات راهنمایی و مشاوره در مدارس چنین وضعیتی را آسان و ممکن میکند.

اهمیت و ضرورت راهنمایی در کلاس‌های چندپایه

هر کلاس درسی، چه تک پایه و چه چندپایه دارای مسائل و مشکلاتی هستند که بر روند آموزش در کلاس تأثیر منفی می‌گذارند و اجتناب از آن‌ها میسر نیست و تنها راه، شناخت و کاربرد روش‌هایی برای کاهش اثر یا غلبه بر آن‌هاست. اما یک کلاس درس چندپایه در مقایسه با کلاس‌های عادی تک پایه با توجه به موقعیت خاص خود درگیر مشکلات و محدودیت‌هایی است که یا مربوط به درون کلاس هستند و یا خارج از آن که فعالیت‌ها و فرآیندهای کلاس را تحت تأثیر قرار می‌دهند. علی‌رغم مشکلات فراوانی نظیر کمبود وقت، کمبود امکانات و سایر مشکلات، بحث راهنمایی و مشاوره از جمله مباحثی است که چشم‌پوشی از آن در کلاس‌های چندپایه محال است و در صورت عدم توجه به این امر، اهداف مورد نظر تعلیم و تربیت در این کلاس‌ها عقیم می‌ماند و آن‌هم در حالی که بیشترین موارد افت تحصیلی و ترک تحصیل مربوط به همین کلاس‌هاست و اگر چه این مسائل ناشی از عواملی گسترده‌ای است اما توجه و اهتمام به راهنمایی و مشاوره در این کلاس‌ها نقش بسیار مهمی در کاهش این مسائل و سایر مسائل مرتبط خواهد داشت. در ادامه به برخی موارد که ضرورت امر راهنمایی و مشاوره را در کلاس‌های چندپایه تبیین می‌نماید اشاره می‌گردد.

شرایط خاص اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی: اغلب کلاس‌های چندپایه در مناطق روستایی و عشایری تشکیل می‌شوند و در این مناطق شرایط فرهنگی و اجتماعی خاصی را برای دانش‌آموزان به وجود می‌آورد نظیر اعتقادات خاص مذهبی و محلی، بلوغ جسمی زودرس، ازدواج‌های زودهنگام و مواردی از این قبیل.

سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

نبودن محیط غنی فرهنگی: روابط و مناسبات انسانی در یک جامعه، کمک به دیگران و پای بند بودن به ارزشهای معنوی و اخلاقی آن جامعه موجبات نشاط و امنیت خاطر را در کلاس درس و محیط آموزشی به وجود می آورد. امروزه با توجه به توسعه فن آوری اطلاعات در مدارس و تغییر روز افزون محتوای کتب درسی، اکثر اولیای دانش آموزان کلاس های چندپایه با توجه به زمینه بیسوادی آنها نه تنها در امر پیشرفت تحصیلی فرزندان کمکی به آنان نمی کنند، بلکه در بسیاری موارد با روال سنتی، کودکان را در تکمیل مطالب آموخته شده دچار دوگانگی نموده و اغلب بار سنگین تعلیم و تربیت را معلمان بر عهده دارند و به علت عدم آمادگی اولیاء و نداشتن زمینه های لازم فعالیت های آموزشی و پرورشی در خانواده، عدم وجود نهادهای فرهنگی، بیشتر جریان یادگیری و جامعه پذیری به همان کارهای محدود کلاس ختم می شود. از سوی دیگر ورود رسانه های متنوع و گاه متضاد با فرهنگ خانواده ها نظیر ماهواره ها و عدم آگاهی اولیای دانش آموزان در چگونگی مواجهه با این رسانه ها، دانش آموزان را با مسائل اخلاقی و رفتاری سوئی مواجه خواهند کرد.

نا متناسب بودن ترکیب سنی و جنسی دانش آموزان: حضور دختران و پسران در محیط کوچک روستا در یک کلاس با ترکیب سنی متفاوت ممکن است مشکلات زیادی را متوجه فرآیند یاددهی یادگیری و حتی نظم و انضباط کلاس وسازماندهی مطلوب آن کند و این تفاوت جنسیت و شرایط خاص فرهنگی خانواده ها به خصوص در پایه های بالاتر، مشکلات خاصی را ایجاد خواهد کرد.

ضعف بنیه علمی دانش آموزان: دانش آموزان کلاسهای چند پایه به دلیل عدم دسترسی به منابع مطالعاتی و رسانه ای، تحصیل در این کلاس ها با وجود محدودیت های فراوان و گاه کم کاری برخی معلمان به بهانه ی وجود مشکلات، دارای ضعف در زمینه ی اطلاعات علمی هستند که این موضوع، افت تحصیلی، بی انگیزه شدن دانش آموزان و در نهایت ترک تحصیل آن ها را به دنبال خواهد داشت.

دو زبانه بودن دانش آموزان: کشور ما ترکیبی از قومیت ها با زبان های متفاوت از زبان رسمی کتابهای درسی و مشکلی است که وزارت آموزش و پرورش سالهاست که با آن مواجه است و با دایر کردن کلاسهای یک ماهه آمادگی در مناطق دو زبانه برای پابیهای اول ابتدایی از اقدامات این وزارت برای جبران این نقیصه است، اما مشکل زبانهای متفاوت با زبان رسمی آموزش و پرورش، مشکلی نیست که با یک ماه دوره رفع گردد. مشکل دوزبانگی از مشکلات مهم کلاس های چندپایه خصوصاً در مناطقی است که زبان رسمی کشور در محاورات روزمره مردم کاربرد چندانی ندارد و این موضوع مشکلاتی را در ارتباطات بین دانش آموزان و معلمان به وجود می آورد.

عدم رسیدگی و مشارکت اولیای دانش آموزان در امر تحصیل فرزندان خود: اهمیت مشارکت اولیاء در بیش تر تحقیقات ثابت شده و همهی صاحب نظران به آن تأکید ورزیده اند. دوکلاس (۱۹۶۸) علاقهی والدین را مهم ترین عامل پیشرفت می داند. اولیاء دانش آموزان در کلاس های چندپایه به دلایل زیادی فرصت نمی کنند در امر تحصیل فرزندان خود مشارکت داشته و به آن رسیدگی کنند. از دلایل مهم آن، کم سواد یا بی سواد بودن اولیاء، داشتن فرزندان زیاد و مشغله ی آن ها می باشد.

سومین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

فقر مالی اولیای دانش آموزان: بسیار دیده شده است که اولیاء دانش آموزان به خاطر مبلغ اندکی که صرف تمهید مقدمات فرزند خود خواهند کرد، مانع ثبت نام آنان در مدرسه شده اند. سوء تغذیه دانش آموزان: رابطه‌ی بین سوء تغذیه و برخی مشکلات یادگیری و رفتاری، مانند عدم پیشرفت تحصیلی، غیبتها، نمرات امتحانی، هوش و عملکرد فرد غیرقابل انکار است.

ویژگی های خاص دانش آموزان: دانش آموزان کلاس های چندپایه که اغلب در خانواده های روستایی با فرهنگ سنتی رشد یافته اند و به دلیل ارتباطات محدود، عدم تجربه ی ارتباطی فراتر از خانواده و عدم طی دوره ی مهد کودک و پیش دبستانی، غالباً افرادی کمرو و گریزان از جمع و ناتوان در برقراری ارتباط های رسمی هستند و این خود زمینه ی لازم را برای اختلالات رفتاری نظیر افسردگی، گوشه نشینی، فرار از اجتماع، عدم سازش با دیگران و ... فراهم آورد.

گرفتاری ها و مشکلات خانوادگی دانش آموزان کلاس های چندپایه: تامین نیروی انسانی جهت کمک به درآمد اقتصادی در زمینه امورات (کشاورزی، دامداری، قالی بافی) اغلب بر عهده ی فرزندان کوچک خانواده می باشد و تحصیل فرزندان از مسائلی است که در امر تدریس دانش آموزان و پیشرفت کار معلم، مانع ایجاد می کند. بسیاری از فراگیران پس از اتمام فعالیتهای آموزشی ناچارند به یاری اولیای خود بشتابند. هر چند که این امر ممکن است در گردش چرخ های اقتصادی خانواده مفید واقع شود اما در بیشتر موارد این امورات، سنگین و خارج از حد و توان و حوصله ی اطفال است و معایبی را همچون خستگی شدید جسمی و روحی و در مجموع عقب ماندگی های درسی و غیبت های مکرر و اغلب پس از پایان مقطع ابتدایی موجبات افت تحصیلی و ترک تحصیل دانش آموزان را فراهم می نماید.

میزان توقعات و انتظارات والدین دانش آموزان از این کلاس ها: والدین دانش آموزان کلاس های چندپایه اغلب فکر می کنند که با توجه به تفکرات واپسگرایی خویش (فقط سواد خواندن و نوشتن کافی است) انتظار چندانی از تحصیل فرزندان خود ندارند، این انتظارات اندک اغلب منجر به کاهش انگیزه در ممانعت از ادامه تحصیل فرزندان خود گردیده و حتی زمینه های ترک تحصیل و یا کفایت به گرفتن کارنامه قبولی پایان دوره ی ابتدایی را فراهم نمایند. بطور کلی میزان توقعات و انتظارات والدین از این کلاسها سطحی بوده و به آنها اهمیت چندانی نمی دهند. این عامل خود موجبات دلسردی و محدود نمودن دامنه فعالیت معلمان را فراهم می نماید.

راهنمادهای راهنمایی و مشاوره در کلاس درس چندپایه

عملکرد و رفتار معلم

عده ای اعتقاد دارند در دوره ی ابتدایی هم، مانند دبیرستان و دانشگاه، راهنمایی باید به وسیله ی متخصصان انجام شود. نظر به این که وجود متخصص در هر دبستان، غیرعملی است و مستلزم هزینه ی زیادی است، این نظریه طرفداران زیادی ندارد. نظریه ی دیگر در این مورد، این است که در دبستان، معلم نقش راهنما را داشته باشد و اصول راهنمایی، ضمن تدریس و آموزش به کار رود. این سیستم عملی است و به سازمان مخصوص نیاز ندارد (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۱)

در کلاس درس چندپایه همه ی مسئولیت ها اعم از مدیریت، تدریس، امور پرورشی، مشاوره، بهداشت، نظم و انضباط، تربیت بدنی و ... بر عهده ی معلم است. علاوه بر این، معلم و عملکرد او بهترین و مهمترین الگو برای دانش آموزان است و او به صورت مستقیم و یا به صورت ضمنی نقش راهنمایی و مشاوره ای خود و ایجاد آرامش روحی و روانی در دانش آموزان ایفا کند. از جمله اقدامات که در این زمینه می تواند در این زمینه صورت بگیرد به شرح ذیل باشند.

8

برقراری نظم و انضباط: انضباط امروزه به مفهوم رعایت صحیح روابط اجتماعی با توجه به مقررات، سنن و ارزش های تربیتی آمده است با این شرط که فعالیت های هیچ یک از دانش آموزان کلاس باعث اختلال در جریان تعلیم و تربیت نگردد (وکیلیان، ۱۳۹۰) ایجاد نظم منطقی در کلاس های درس از موضوعات بسیار مهم و قابل توجه است تا در آن دانش آموزانی منظم و منضبط بار آیند و نظم و انضباط و گرایش به آن در آن ها نهادینه شود و این نظم و انضباط در آینده در رفتارشان نمایان شود.

علاقه مند کردن دانش آموزان به کلاس: به طور کلی دانش آموزانی که جذب کلاس خود شوند و به حضور در آن علاقه نشان دهند و کلاس برایشان جذاب باشد بدون شک در چنین کلاسی بهتر می تواند استعدادهای خود را بروز دهد و از رفتارهای تنش آفرین خودداری کند.

منصف بودن معلم: بی عدالتی واقعی یا تصویری می تواند تخم خشم و تخاصم را در دل کودکان بکارد. انصاف یعنی رعایت تناسب بین خطای اولیه و محروم کردن کودک از مزایا، یعنی همسانی در رفتار با کودکان به طوری که آن ها را «انصاف» بدانند باید منتظر چه باشند، یعنی پای بند به قول و قرار. جالب است که بدانیم کودکان از هر طیف سنی یکی از مطلوب ترین صفت های معلم می دانند.

اجتناب از خشم: از دست دادن تسلط بر نفس و خشمگین شدن معلم توجه کلاس را به خود جلب می کند و تجربه ی آن

سومین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

به حافظه ی دانش آموزان سپرده شده و در تمام مدرسه پخش می گردد. طول نمی کسد که سایر دانش آموزان نیز بادقیرچه ی یک محقق، راه های مختلف کشاندن معلم به تکرار خشم را امتحان می کنند. تردیدی نیست که همه ی معلمانگاه احساس می کنند که لازم است با کودکی با لحنی تند صحبت کنند ولی این کاملاً با فوران خشم متفاوت می باشد و نه کمکی به حفظ موقعیت معلم و نه به حفظ سلامت جسمی او می کند. همچنین با توجه به آمادگی دانش آموزان در جهت الگوپذیری، رفتار خشمگینانه معلم می تواند در فکر و رفتار آنان منعکس شود.

پرهیز از خودمانی شدن بیش از اندازه: مرز بین رفتار دوستانه و خودمانی بودن بسیار باریک است، از این رو بهتر آن می باشد که با کلاس در ابتدا قدری رسمی باشید و وقتی آن ها را بهتر شناختید به تدریج صمیمی تر شوید. پژوهش ها نشان می دهد که بسیاری از معلمان ضعیف عکس این کار را نشان می دهند و سپس نومیدانه وقتی که تأثیر اولیه بیش از حد آسان گیرانه گذاشتند، سعی می کنند جدی رفتار نمایند. خودمانی بودن بیش از حد در هر موقعیتی برای کودکان تا حدی گیج کننده است چون می دانند که معلم واقعاً یکی از آنان نیست بلکه نماینده ی اقتدار مدرسه است و هنگامی که زمان آن برسد معلم بر اقتدار خود پافشاری می ورزد و احساس فریب خوردگی در کودکان به وجود خواهد آمد.

9

فرصت دادن به دانش آموزان برای قبول مسئولیت: دادن مسئولیت به دانش آموزان نه فقط به آنان نشان می دهد که مورد اعتماد معلم هستند بلکه سبب می شود دانش آموزان اعتماد به نفس بیش تری پیدا کنند و از این طریق به خودشناسی برسند.

پرهیز از تحقیر دانش آموزان: تحقیر سواى آسیب روانشناختی بالقوه ای که بر کودکان تحقیرشده وارد می آورد، حمله به موقعیت کودکان در دیدگان بقیه شاگردان کلاس نیز به شمار می آید و آنان را وادار می کند برای بازیافت موقعیت قبلی خود متوسل به راهبردهای مختلفی شوند که نوک حمله همه ی آن ها متوجه اقتدار معلم است. کنایه زدن نیز اغلب برای کودکان جنبه ی تحقیرآمیز دارد و آنان را به دادن پاسخ سبک سرانه ترغیب می کند.

استفاده از واژه های مثبت: تأکید را باید همیشه بر کارهایی بگذاریم که می خواهیم دانش آموز انجام دهد نه به «»، « آن قدر سروصدا نکن» نه آن که «آهسته داخل شو» کارهایی که نباید انجام دهد. به این ترتیب که باید بگوییم و نظایر آن. واژه های منفی فعالیت هایی را به کودکان پیشنهاد می کنند «سرت را برنگردان» نه آن که «کتابت نگاه کن که ممکن است قبلاً به ذهن آن ها خطور نکرده باشد و بنابراین ممکن است توجه شاگردان مطیع مقررات را نیز به خطاکاری جلب کند.

به حداقل رساندن سرزنش و تنبیه: یکی از بدفهمی های بسیار ناخوشایند که امکان دارد در کلاس درس رخ دهد، تفاوت قایل نشدن بین بدرفتاری و اشتباه تحصیلی است. از دانش آموزان می توان خواست که کاری را که انجام می دهند به بهترین صورت ممکن باشد، ولی نمی توان انتظار داشت که آنان در هر زمینه ای پاسخ موفقیت آمیزی بدهند. اگر محیطی ایجاد شود که در آن دانش آموز به سبب خطای درسی تنبیه شود، آن خطا با بدرفتاری یکسان انگاشته خواهد شد. چنین بدفهمی امکان دارد بین بدرفتاری و خطای درسی از سوی معلم رخ دهد و واکنش شدید دانش آموزان را برانگیزاند.

سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

فضای روان شناختی ایجاد شده از طریق نوع و چگونگی بازخورد معلم می تواند از میزان خطاها بکاهد و سبب شود دانش آموزان و معلم اشتباه تحصیلی را با بدرفتاری برابر فرض نکنند. آنچه مهم است آن است که معلم، خود خطا را مورد توجه قرار داده و تلاش کند خطا صورت نگیرد. برای مثال، اگر دانش آموز تکلیف منزل را انجام نداده است باید انجام ندادن کار مورد توجه باشد نه صرفاً تکلیفی که ارائه شده است.

نشان دادن علاقه به دانش آموزان: اجازه داده که دانش آموزان معلم را دوست خودشان بدانند. دانش آموزان نیاز دارند احساس کنند محترم شمرده میشوند و معلم به آنان علاقه مند است. ابراز دوستی باعث تقویت روحیه نوع دوستی، گرم شدن ارتباطات و در نهایت آرامش روانی و افزایش انگیزه ی تحصیلی دانش آموزان می گردد.

تمرکز بر روی نکات مثبت: دانش آموزانی که بارها شکست را تجربه می کنند معمولاً به دنبال راهی برای برهم زدن نظم کلاس هستند به همهی دانش آموزان، بازخورد مثبت باید داده شود و به آن ها کمک شود تا شکست های خود را جبران کنند و از این طریق، درس گرفتن از شکست ها برای رسیدن به موفقیت در آن ها نهادینه شود.

10

خودداری از تنبیه گروهی: معلمی که به خاطر بدرفتاری عدهی اندکی از دانش آموزان همهی دانش آموزان را تنبیه می کند، به استقبال بی انضباطی در کلاس می رود و با این کار رفتار غیرمنصفانه را برای دانش آموزان تطهیر می نماید.

کسب آگاهی از پیش زمینه های دانش آموزان: تا آنجا که امکان دارد دربارهی زمینهی قبلی یا پیش زمینهی دانش آموزان آگاهی کسب شود. آگاهی از پیش دانسته و پیش آموختههای دانش آموزان در هدایت دانش آموزان و کاستن از مسائل رفتاری آن ها در کلاس حایز اهمیت است.

از طریق برنامه و مواد درسی

به نظر مک دانیل، برنامه و مواد درسی، ارتباط زیادی با رشد و نمو دانش آموز دارند و چون دانش آموزان تفاوت زیادی با یکدیگر دارند، آموزگار باید این تفاوت ها را در نظر بگیرد. به دانش آموزان با استعداد باید کارهای زیادتر و مشکل تر داد تا از برنامه ی عادی کلاس خسته و دلزده نشوند و از دانش آموزان ضعیف و کم هوش، نباید بیش از حد توقع داشت. دانش آموزانی که نقص عضو دارند، دارای نیازهای متفاوتند و به توجه مخصوص احتیاج دارند. عده ای از آن ها ممکن است به نقص خود حساسیت داشته باشند. در این گونه موارد، نباید بیش از حد به این نقیصه توجه شود؛ زیرا ممکن است این امر آنان را نسبت به خود حساستر کند. تعدادی از دانش آموزان هم نمی توانند با جمع سازش پیدا کنند. لازم است معلم به همه ی این تفاوت ها توجه داشته باشد.

برخی از دانش آموزان به کمک بیشتری احتیاج دارند؛ نظیر دانش آموزانی که از استعدادهای خود اطلاع کافی ندارند، دانش آموزان باهوشی که به اندازه ی ظرفیت خود در پیشرفت تحصیلی موفق نیستند، دانش آموزانی که در دروس خاصی عقب

سومین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

ماندگی دارند یا دانش آموزانی که از نظر رفتاری و شخصیتی دارای کمبودهایی هستند. در این گونه موارد معلم پس از شناسایی دانش آموزان، با انجام کمک خاص به هر یک از آنان وضعیتشان را بهبود می بخشد (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۱).

از طریق راهبردها و روش های یاددهی یادگیری

راهبردهای یاددهی- یادگیری می توانند بستر لازم را برای راهنمایی غیرمستقیم دانش آموزان و تجربه ی مهارت های اساسی زندگی فراهم آورند. به عبارت دیگر معلم می تواند برای مثال می توان با روش تدریس کارگروهی می توان، مهارت کار با دیگران، مسئولیت پذیری، احساس تعلق گروهی، همکاری و تعاون را در فراگیران نهادینه کرد؛ با روش تدریس بحث گروهی، توانایی اظهار نظر در جمع، احترام به نظر دیگران، تعامل، تحمل شنیدن نظر مخالف را به فراگیران آموزش داد؛ با روش تدریس نمایشی، داستان گویی و ایفای نقش، آداب و رسوم ملی و دینی در معاشرت ها و شیوه های رفتاری صحیح را برای فراگیران تشریح کرد.

از طریق ارزشیابی

اتخاذ شیوه های ارزشیابی مناسب با در نظر گرفتن تفاوت های فردی می تواند از شکل گیری رقابت ناسالم و حسادت فراگیران نسبت به یکدیگر خودداری کند و از این طریق رقابت سالم همراه با دوستی را آموزش می دهد؛ استفاده از شیوه ی خودارزیابی باعث ایجاد روحیه ی خودانتقادی، پذیرش مسئولیت، خودباوری می گردد؛ استفاده از ارزشیابی گروهی باعث ایجاد احساس مسئولیت نسبت به دیگران می گردد.

از طریق فضای آموزشی

فضای آموزشی: محیطی که در آن یادگیری صورت می گیرد حد و مرزی ندارد اما بخشی از این محیط عمداً برای آموزش طرح ریزی شده است. به این بخش فضای آموزشی گفته می شود. کلاس درس یک فضای معنوی و آموزشی دارد و یک فضای مادی و فیزیکی. مقصود از فضای معنوی و آموزشی فضای متأثر از روابط اجتماعی و رفتار بین معلم و دانش آموزان و دانش آموزان با یکدیگر در قالب فعالیت های یاددهی - یادگیری است که میتواند باز، منعطف، منطقی و با تفاهم باشد و یا بسته، قانونی، خشک و سرشار از یک سونگری و تعارض است. اما فضای فیزیکی مدرسه عبارت از محدوده ی کلاس، موقعیت جغرافیایی، رنگ و تمیزی، شکل بنا و معماری و مسائلی از این دست است.

الف) فضای معنوی و آموزشی (اجتماعی)

ساز تربیت افرادی محسن و عادل است که این غایت تربیت صحیح و شکل گیری زندگی بر اساس معیارهای آرمانی است. وقتی در مدرسه ارزش های اخلاقی محوریت داشته باشند فراگیران نیز به طور مستقیم و یا غیرمستقیم آن ها را کسب می

سومین کنفرانس ملی پژوهش های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

کنند؛

حاکمیت مشارکت و تعاون بر محیط آموزشی، شخصیت فراگیران را از شکل گیری فردگرایی و رقابت گرایی مخرب دور نگه می دارد و باعث ایجاد فضای رفاقت سالم و تعامل سازنده و موثر با دیگران و در نهایت نهادینه سازی همکاری مبتنی بر احترام و مسئولیت متقابل در جامعه می گردد.

ب) فضای فیزیکی

فضای فیزیکی بخشی از فضای تربیتی است که تربیت در آن اتفاق می افتد. استفاده از رنگ های مناسب و تصاویر شاد و بانشاط سازی فضای کلاس و میزان نور و تهویه، چینش نیمکت ها، محل میز معلم و ... مواردی هستند که در ایجاد نشاط در دانش آموزان موثر هستند.

از طریق مواد و رسانه های آموزشی

وقتی مواد و رسانه های آموزشی از قبیل کتاب های درسی و کمک درسی، نرم افزارهای آموزشی و رسانه های کاربردی در کلاس حاوی موضوعات آموزش مهارت های زندگی، نکات تربیتی باشد بدون شک در راهنمایی دانش آموزان، سهم بسزایی خواهند داشت.

از طریق برنامه ها و فعالیت های مکمل و فوق برنامه دانش آموزی

معمولاً در امتداد برنامه ی درسی رسمی، برنامه ها و فعالیت هایی با هدف بسط و گسترش یادگیری ها و یا غنیسازی اوقات فراغت برای فراگیران در درون یا خارج از کلاس در نظر گرفته می شوند که فرصت مناسبی را برای آشناسازی، راهنمایی، نمایش و تبلیغ مهارت های صحیح زندگی فراهم می آورند؛ معلم کلاس می تواند با رویکردی هدفمند از این فرصت ها حداکثر بهره وری جهت نهادینه سازی مهارت های زندگی داشته باشند.

از طریق برنامه ها و کارگاه های آموزش خانواده

در امر تحصیل، خانواده و والدین نقش بسزایی دارند به طوری که عامل خانواده از عوامل مهم در زمینه پیشرفت تحصیلی دانش آموز یا وقوع افت تحصیلی است. انگیزهها و علایق تحصیلی دانشآموز در خانواده شکل یافته و به آن جهت داده میشود و مسیری برای هدایت آن فراهم میشود. خانواده سرعت دانشآموز در رسیدن به اهداف تحصیلی را تنظیم میکند. خانوادهاهی بدون انگیزه و بدون اطلاع و غیرفعال موجب کاهش سرعت دانشآموزان با استعداد میشوند. بدین جهت در فرایند مشاوره تحصیلی لزوم انجام مشاوره با والدین ضرورت و اهمیت خاصی پیدا میکند. از اینرو لازم است والدین و به طور کلی خانواده نیز اطلاعات کافی از ویژگیها و استعدادهای فرزندان خود کسب نمایند و کمکها و یاری مفیدی برای فرزندانشان فراهم نمایند. گرچه والدین دانش آموزان کلاس های چندپایه به دلایل مختلف ارتباط کمی با مدرسه دارند اما معلم می تواند با بهره گیری از فرصت های مناسب و در برنامه های آموزش خانواده و ارتباط مستمر با والدین، شیوه های صحیح فرزندپروری و سایر مهارت های مربوط به تربیت فرزندان را به خانواده ها آموزش داده تا آن ها نیز این مهارت ها را در غالب رفتارهای خود به فرزندانشان منتقل نمایند.

سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

از طریق ارائه بسته های آموزشی و فرهنگی

معلم کلاس چندپایه به موازات راهنمایی در قالب برنامه ی رسمی در کلاس، می تواند با تدارک بسته های مناسب شامل کتب، مجلات، بروشور، پوستر و ... از طریق نهادهای مختلف با توجه به نیازهای فراگیران در هر یک از مراحل رشد جسمانی، عقلانی، عاطفی و اجتماعی، در هر یک از مقاطع تحصیلی در اختیار آن ها و خانواده هایشان قرار داده و از این راه سهم مهمی در ارتقاء آگاهی ها و راهنمایی دانش آموزان داشته باشد.

کمک گرفتن از افراد متخصص

معلم کلاس چندپایه می تواند با کمک گرفتن از افرادی که در زمینه خاصی تخصص و مهارت دارند در زمان های مناسب در جهت افزایش اطلاعات و گسترش سطح آگاهی دانش آموزان استفاده کند. مانند بهورزان خانه های بهداشت، مبلغان مذهبی و سایر افراد متخصص در زمینه های فرهنگی و شغلی.

مشارکت دانش آموزان در فرایند مدیریت کلاس

اجتماعی شدن فرآیند روانی اجتماعی است که بر پایه ی آن شخصیت انسان تحت تأثیر محیط و بخصوص نهادهای خانه و مدرسه شکل می پذیرد. از جمله جلوه های اجتماعی شدن، مشارکت سازنده ی فرد در محیط جامعه است. کلاس درس برای اغلب کودکان روستایی اولین مکان رسمی است که می توانند در تعامل با افرادی غیر از خانواده ی خود نخستین تجربیات جامعه پذیری را کسب نمایند و این امر در قالب مشارکت در فعالیت های کلاس درس نمود عملی پیدا خواهد کرد. یونیسف، مشارکت کودکان در مورد موضوعهای مربوط به آنها از سالهای نخست زندگی را فرصتی می داند که آنان را از هرج و مرج طلبی، آسیب پذیری و سلطه پذیری مصون نگه می دارد و می تواند نسلی از جوانان را که راجع به حقوق خود و دیگران احساس احترام و دل مشغولی بیشتری می کنند تربیت کند. همچنین یونیسف در گزارش خود می افزاید که در راندن کودکان به کنار، خطر سقوط جدی وجود دارد وقتی کودکان را از فرایند تصمیم گیری خارج کنید و فرصت های لازم برای مداخله سازنده آنان را در موضوعات موثر بر زندگیشان فراهم نسازید، کودکان فاقد توانایی و مهارتهای حیاتی در رشد و نمو خود در بزرگسالی می شوند (کامکار، ۱۳۸۲). مشارکت دانش آموزان در فرآیند مدیریت کلاس و فعالیت های جاری در آن، بستری مناسب برای نیل به این فرصت سازی است.

بحث و نتیجه گیری

سال هاست که نظام آموزش و پرورش در جوامع مختلف و در اشکال متفاوت، نقش بسیار مهمی در تعلیم و تربیت نسل های بشری ایفا می کند؛ مدرسه به عنوان کانون اصلی این نهاد و خط مقدم تعلیم و تربیت رسمی و خانه ی دوم فرزندان جامعه، نقش غیرقابل انکاری در سرنوشت جامعه دارد و از عوامل اصلی درونی سازی معیارها و ارزش ها و در نهایت مهارت های لازم زندگی افراد هر جامعه است و بعد از خانواده مهمترین کانونی است که از طریق راهنمایی مستقیم و غیرمستقیم، ارزشها، الگوها، هنجارها و مهارت های زندگی را در ذهن کودکان شکل میدهد و میآفریند و برای همیشه ثبت میکند.

سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

هر فردی در جامعه، رفتار، گفتار و کردارش و در کل شخصیت و سبک زندگی اش براساس هنجارها و مهارت هایی است که می‌شناسد و قبول کرده، شکل می‌گیرد و همواره سعی دارد مهارت هایی را در زندگی خود به کار برد که منطبق بر الگوها و ارزشهایی است که باور کرده و به آن ها ایمان دارد همان مهارت هایی که در خانواده و محیطهای آموزشی با آنها آشنا شده و روح و ذهنش با آن ها رشد کرده و پرورش یافته است. به این ترتیب باید دریافت که نقش و تاثیر نظام آموزش و پرورش در راهنمایی، آموزش و ارتقاء مهارت های زندگی افراد تا چه اندازه مهم است و غفلت از آن تا چه میزان موجب خسران و پشیمانی خواهد شد؛ زیرا دانش آموزان بخش اعظمی از اوقات فعال خود را در کلاس درس می گذرانند و به صورت رسمی و غیررسمی تحت تأثیر عوامل موجود در آن قرار می گیرند.

برخی از دانش آموزان در کلاس های چندپایه با جنسیت و سن متفاوت در کنار هم تحصیل می کنند. کلاس های چندپایه از واقعیت های نظام آموزشی بسیاری از کشورهای جهان است و بی توجهی و صرفنظر از آن ها امری غیرقابل توجیه است. از جمله موارد ضروری در کلاس های درس ابتدایی بخصوص کلاس های چندپایه، راهنمایی و مشاوره است. کلاس درس چندپایه با توجه به شرایط خاص و متفاوت از کلاس های عادی و شرایط اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی محیط پیرامونی آن ها، ضرورت این امر را روشن تر می سازد.

14

معلمان کلاس های چندپایه باید اصول و فنون راهنمایی و مشاوره را بدانند و بتوانند از آن ها در مواقع ضروری استفاده کنند، بنابراین در دورههای آموزشی آنان، باید به تدریس این دروس توجه خاصی مبذول شود. معلم کلاس چندپایه باید علاوه بر تدریس، به طور مستقیم یا غیرمستقیم به راهنمایی و مشاوره با دانش آموزان نیز بپردازد زیرا معلم با دانش آموزان خود تماس دائم و نزدیک دارد و از توانایی ها، ضعف ها، آرزوها و نیازهای آنان به خوبی آگاه است. معلم از طریق جلب همکاری والدین دانش آموزان می تواند در مواقع ضروری به مشاوره با آنان بپردازد و آنان را در حل مشکلاتشان یاری دهد. معلم کلاس چندپایه می تواند از بروز مشکلات دانش آموزان پیشگیری کند و با ایجاد فضای صمیمی در کلاس و تأمین سلامت روانی دانش آموزان، موجبات تسهیل و افزایش یادگیری آنان را فراهم می آورد. معلم آشنا به روش های راهنمایی و مشاوره کودکان با ایجاد رابطه ی انسانی و دوستانه با آنان، یادگیری را ساده و جالب می کنند و ترس و وحشتی را که معمولاً دانش آموزان کلاس چندپایه از معلمان دارند، از بین می برند. نکته ی دیگر اینکه همواره کار خود را از صفات مثبت و نقاط قوت کودکان آغاز می کنند و به رفع صفات ناخواسته و نقاط ضعف آنان می پردازند. همچنین به محض مشاهده ی علائم نابهنجار در کودکان، نسبت به رفع آن ها به طور مناسب مبادرت می ورزند. نقش معلم در راهنمایی و هدایت دانش آموزان به حدی مهم است که موفقیت یا شکست برنامه تحصیلی و تربیتی در مدرسه تا حدود زیادی مرهون فعالیت معلم است. معلم با شاگردان همه روزه تماس مستقیم دارد و منبع بسیار ارزشمندی در شناخت دانش آموزان محسوب میشود. معلم مقام رسمی کلاس و داناترین فرد در نزد دانش آموزان است؛ معلم میتواند الگوی دانش آموزان و نقش تسهیلکننده را در نهادینه سازی مهارت های صحیح زندگی به عهده بگیرد. معلم میتواند بطور موثر در برنامه تغییر رفتار در کلاس درس شرکت کند. در حفظ بهداشت روانی دانش آموزان مقام مدیریت به عهده اوست و جانشین والدین دانش آموزان است. هم چنین معلم کلاس درس چندپایه می تواند از طریق راهبردها و روش های تدریس، ارزشیابی، فضای کلاس، افراد متخصص، فعالیت های مکمل و فوق برنامه، بسته های آموزشی، مشارکت دانش آموزان در فعالیت های کلاس، مواد و رسانه های آموزشی و ... به امر راهنمایی دانش آموزان مبادرت ورزد.



سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های سازمان و مدیریت

تهران - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱

منابع

آفزاده، محرم، ۱۳۸۴، راهنمای آموزش در کلاس‌های درس چندپایه، تهران، انتشارات آییژ
پورموسوی، سیدیعقوب، ۱۳۹۲، مدیریت کلاس درس چندپایه، قم، نشر سپهر
حسینی بیرجندی، سید مهدی، ۱۳۹۱، اصول و روش‌های راهنمایی و مشاوره، چاپ بیستم، تهران، انتشارات رشد
شفیع آبادی، عبدالله، ۱۳۷۹، راهنمایی و مشاوره کودک. تهران، انتشارات سمت.
شفیع آبادی، عبدالله و غلامرضا ناصری، ۱۳۷۳، نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
کامکار، مهدیس، ۱۳۸۲، مروری بر دیدگاه‌ها، باورها و عملکرد یونیسیف در مورد "مشارکت کودکان". فصلنامه رفاه
اجتماعی، شماره ۲